

چرا در ۲ سالگی خروج آمریکا از برجام خبرسازی‌ها درباره رابطه تهران-واشنگتن چندان جدی نیست؟

نه مذاکره، نه افزایش تنش



علی جمشیدی و مریم عاقلی

گروه سیاسی

بعد از ظهر دوشنبه گذشته خبرگزاری رویترز با انتشار خبری از احتمال آزادی سیروس عسگری، استاد دانشگاه صنعتی شریف که از چند ماه پیش در ایالات متحده و به اتهام سرقت اسرار تجاری در بازداشت به سر می‌برد؛ خبر داد و بعد گفته شد که وی قرار است با مایکل وایت، کهنه‌سرباز آمریکایی تبادل شود. این خبر به سرعت در برخی رسانه‌های فارسی زبان خارجی و بعد ایرانی بازنشر شد و تحلیل‌هایی را هم به دنبال داشت. در این میان برخی با ذوق زدگی این خبر را تحلیل کردند و حتی گفتند که چنین تبادلی زمینه‌ساز کاهش تنش‌ها و حتی حرکت به سمت بهبود روابط و شاید هم مذاکره خواهد شد. رسانه‌ها حتی از مذاکره حسن روحانی با آبه شینزو، نخست‌وزیر ژاپن هم به عنوان یک نشانه‌دیگر یاد کردند و خواستند که با استفاده از چنین خبرهایی از وقوع یک اتفاق مهم‌تر بگذرانند. این البته اولین بار نیست که چنین جمع‌بندی‌های رسانه‌ای و سیاسی بروز می‌کند، چنان‌که طی دقیقاً دو سال گذشته یعنی از زمان آغاز دور جدید تنش‌ها میان ایران و ایالات متحده برخی منتظر نشسته‌اند تا از هر خبر و رویداد مهم یا غیرمهم استفاده سیاسی خود را برده و از آغاز دور جدید مذاکرات میان تهران و واشنگتن خبر دهند. واکاوی و نیت‌خوانی این خبرسازی‌ها فعلاً موضوع این نوشتار نیست اما حتماً بررسی اینکه در این دو سال چه فرآیندی طی شده و امروز دو کشور در چه نقطه‌ای ایستاده‌اند مهم و حائز اهمیت خواهد بود.

تبادل به مذاکره و توافق ریبطی ندارد

اول ماجرای تبادل زندانی‌ها؛ مدت‌ها پیش (اردیبهشت سال گذشته) محمدجواد ظریف از پیشنهاد ایران به آمریکا برای تبادل زندانی‌ها (در پایان سال ۲۰۱۸) میان دو کشور خبر داد. البته همان موقع ذکر شد که چنین تبادلی فرآغ از دیگر مناسبات سیاسی تهران-واشنگتن می‌تواند به وقوع بپیوندد هر چند در آن زمان این پیشنهاد با استقبال گرمی در کاخ سفید مواجه‌نشد اما بعداً تحت شرایطی آمریکایی‌ها پذیرفتند که تبادل محدودی صورت بگیرد و لذا در زمستان گذشته دکتر مسعود سلیمانی از زندان‌های آمریکا آزاد و با ژائو وانگ، زندانی آمریکایی در ایران مبادله شد. همان موقع هم مشخص بود که تبادل زندانیان آن هم در این سطح نمی‌تواند اتفاق بزرگی باشد آن قدر که بتواند یخ روابط بین دو کشور را آب کند، علاوه بر این در مورد سیروس عسگری اساساً این ماجرا متفاوت از تبادل‌های گذشته هم به نظر می‌رسد چرا که اولاً آمریکایی‌ها خودشان اعلام کرده‌اند که او در دادگاه‌های این کشور از اتهام سرقت اسرار تجاری تبرئه شده و لذا دلیل دیگری برای تداوم حبس وی وجود ندارد و ثانیاً بروز بیماری کرونا دلیلی شده تا فشارها بر ایالات متحده افزایش یابد و این کشور مجبور شود اندکی از مواضع قبلی خود برای تخلیه این فشارها کوتاه‌باید. از این رو به شکل جدی‌تری می‌توان آزادی وی را یک اتفاق غیرمؤثر بر کاهش تنش‌ها میان دو کشور ارزیابی کرد.

فعلاً تمایلی به افزایش تنش‌ها وجود ندارد

علاوه بر این در این خصوص یک نکته دیگر هم وجود دارد. نه ایران و نه ایالات متحده هم از لحاظ اقتصادی و هم به لحاظ سیاسی در شرایطی قرار ندارند که فعلاً علاقه‌مند به افزایش سطح تنش‌های

فی‌مابین باشند. در آمریکا چند ماهی تا انتخابات بیشتر باقی مانده، کرونا و ماجرای کاهش نرخ نفت از رشد اقتصادی این کشور کاسته و بیکاری تا مرز ۱۵ یا بنا به برخی تحلیل‌ها تا ۲۰ درصد هم رسیده است. دونالد ترامپ شرایط نه‌چندان مساعدی را سپری می‌کند و از این رو نمی‌خواهد تنش جدیدی در کنار شرایط داخلی باعث ایجاد یک چالش در مسیر انتخاب مجددش به عنوان ریاست‌جمهوری آمریکا شود. از طرف دیگر ایران هم که برتری‌های نسبی را فعلاً در منطقه از آن خود کرده و برای مثال توانسته از فرصت مصوبه پارلمان عراق برای ایجاد یک فشار منسجم در مسیر خروج آمریکا از منطقه استفاده کند یا شیوع کرونا در میان نیروهای مسلح به ویژه نیروی دریایی آمریکا را غنیمت شمرده و دوباره تسلط خود بر اوضاع منطقه به ویژه آب‌های جنوبی را به رخ بکشد، همچنان ترجیح می‌دهد در آرامش اهداف خود را دنبال کرده و تهدیدهای حاشیه‌ای مثل بروز مجدد داعش در عراق یا وقایع سوریه را گام به گام مدیریت کند.

منفعتی روی میز مذاکره نیست

این عدم تمایل به افزایش تنش‌ها حتماً به معنای تلاش برای بهبود روابط نخواهد بود چرا که فعلاً دلیلی برای مذاکره و بهبود روابط و توافق وجود ندارد. نه ایالات متحده نیازمندی به بهبود روابط با تهران دارد و نه ایران امروز سود قابل توجهی در بهبود روابط با غرب می‌بیند، به ویژه در شرایطی که توانمندی اقتصادی و خودکفایی در داخل مرزهای کشور با توجه به پدیده کرونا ارزشمندتر از هر زمان دیگر شده است. ناگفته‌نماند که ایران به دنبال مذاکره بود تا فروش نفت خود را بهبود بخشد و از این مسیر کسری بودجه سالانه کشور را جبران کند، ولی حالا با کاهش عجیب و غریب نرخ نفت این دستاورد احتمالی هم کمک شایانی به تهران نخواهد کرد و لذا پرداخت هرگونه هزینه با امتیازی نمی‌تواند امتیاز بزرگ‌تری را حاصل کند و بنابراین باید گفت که رغبت به مذاکره امروز کمتر از هر زمان دیگری میان طرفین وجود دارد.

چرا مسیر اسلام‌آباد جدی نیست؟

در این مورد شاید ذکر چند نکته گره‌گشا باشد. اولاً پاکستانی‌ها در سال‌های اخیر بیش از هر کشوری روابط خود را با یک مستحکم کردند و تلاش می‌کنند در تعامل با چنین‌ها جایگاه خود در منطقه را ارتقا بخشند. در این میان چین از سویی علاقه‌مند به بهبود روابط تهران-واشنگتن نیست و از سوی دیگر تمایلی هم ندارد سطح تنش‌ها از چیزی که امروز جاری و ساری است بیشتر شود. از این رو تمایل دارد که مناسبات میان ایران و ایالات متحده کنترل شده باشد و چه بهتر اینکه بازگیری نزدیک به یک محور تسهیل‌کننده و رسیدن به این وضعیت شود. عمران خان هر چند از منظر دیپلماتیک و جایگاه سیاسی یک وزنه قابل اعتنا به نظر نمی‌رسد اما تاکنون چندین بار برای ایفای نقش در چنین جایگاهی ابراز تمایل کرده است و مقامات ایران هم در ماه‌های اخیر تلاش کرده‌اند دست رد به سینه او نزنند چنان‌که این مساله از مذاکره

وزاری خارجه دو کشور قابل استنباط بود.

با این اوصاف بر فرض اینکه با کستان هم نقش جدیدی برعهده گرفته باشد نمی‌توان مسیر اسلام‌آباد را منتهی به یک اتفاق بزرگ و تغییر ویژه در مناسبات پاستور-کاخ سفید دانست چرا که نه عامل تسهیل‌کننده جایگاه ویژه‌ای دارد و نه چینی‌ها تمایل خاصی برای بهبود روابط آمریکا با کشورهای آسیایی به ویژه خاورمیانه دارند، لذا نمی‌توان به چنین خبرهایی ولو با قید صحت اعتنا کرد.

کسی در کاخ سفید منتظر مذاکره کننده ایرانی نیست

سوم: روز گذشته خبری مبنی بر جایگزینی علی لاریجانی در جایگاه دبیری شورای عالی امنیت ملی به جای درباردار علی شمخانی ظرف یک ماه آینده و پس از پایان دوره دهم مجلس شورای اسلامی از سوی برخی رسانه‌های اصلاح طلب منتشر شد، خبری که البته منبع اصلی آن مشخص نیست و تاییدی هم هنوز درباره صحت و سقم آن منتشر نشده است. در این خبر آمده بود که با حضور علی لاریجانی در جایگاه دبیر شورای عالی امنیت ملی فرآیند جدیدی از مذاکرات میان ایران و ایالات متحده آمریکا شکل خواهد گرفت و از آنجایی که لاریجانی سابقه مذاکراتی نیز در کارنامه خود دارد و از قضا در دوران جمهوری خواهان و جورج بوش پسر توانسته بود الگویی نسبتاً پیش‌برنده از مذاکرات را به اجرا بگذارد نظام به او اعتماد کرده و احتمالاً این مذاکرات در آینده‌ای نه‌چندان دور با دولت ترامپ آغاز خواهد شد.

در این مورد هم بنای این نوشتار صحت‌سنجی از خبر حضور علی لاریجانی به‌عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی نیست (که البته با وجود تمایل احتمالی پاستور به چنین تغییری، بسیار دور از انتظار به نظر می‌رسد) و صرفاً بخش دوم خبر مورد بحث است، اینکه آیا مشکل شکل نگرفتن مذاکره و توافق با کاخ سفید در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ از ناحیه ایران وارد مذاکره‌کننده است که با حضور علی لاریجانی مرتفع شود یا ایراد جای دیگری است؟

پاسخ به این پرسش آنچنان دشوار نیست. حسن روحانی و تیم دیپلمات وی، آنچنان که بارها و بارها نشان داده‌اند هیچ ابایی از مذاکره با دولت ترامپ ندارند، نه تنها تمایل که در مقطعی بسیار هم خود را مشتاق نشان داده‌اند. اگر خاطر‌تان باشد زمانی که محمدجواد ظریف در حاشیه اجلاس گروه ۷ در پاریس حضور یافت و با مانوئل مکرون دیدار کرد، در تهران رئیس‌جمهور خطایی استراتژیک مرتکب شد و تلویحاً از دیدار با ترامپ استقبال کرد. اتفاقی که البته بعد از ۲۴ ساعت و با واکنش تند ترامپ معکوس و حسن روحانی مجبور شد بگوید تنها با فتوح‌آباد امکان وقوع چنین ملاقاتی وجود دارد. با توجه به چنین تجربه‌ای عموماً خصومت مقامات کاخ سفید و کنگره آمریکا با ایران (مانند وحدت‌نظر در مورد شکستن قطعنامه ۲۲۳۱ و تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران) مشخص است و بر کسی پوشیده نیست و صد البته همچنین شکل‌گیری فشار حداکثری و وقوع اتفاقاتی چون ترور سردار سلیمانی هم دلایل مهمی هستند و نشان‌دهنده اینکه درون ایالات متحده هیچ کس انتظار یک مذاکره‌کننده ایرانی را نمی‌کشد و اساساً علاقه‌ای برای این کار وجود ندارد. بخش قابل توجهی از مؤثرین بر سیاست‌ها و تصمیمات اصلی و نهایی کاخ سفید همچون مایک پمپئو وزیر امور خارجه و بری‌ان هوک مسئول میز ایران هنوز هم امیدوارند و تصور می‌کنند فشار حداکثری بر ایران تأثیرات عمیقی گذاشته و توانسته رفتار تهران را تغییر دهد و احتمالاً به زودی ایران دستانش را بالا برده و آماده امتیازدهی خواهد شد. با این خیال خام، امر مسلم این است که هنوز هم آمریکایی‌ها هیچ بنایی برای مذاکره ندارند، به این سمت هم حرکت نخواهند کرد و مادامی که دولت دونالد ترامپ در کاخ سفید حضور داشته باشد عملاً امکان شکل‌گیری یک مذاکره میان طرفین منتفی است حال طرف ایرانی محمدجواد ظریف باشد، یا علی شمخانی و یا حتی علی لاریجانی.

همه اینها علاوه بر این است که طی دو سال گذشته و در فرآیندی سخت و دشوار یک تجربه تاریخی شکل گرفته و به ایرانیان آموخته است که چپ و راست ایالات متحده در فشار بر ایران و تحت فشار قرار دادن مردم، اتفاق نظر دارند و صرفاً در تاکتیک‌ها اختلاف نظر وجود دارد. با این وضع در تهران مقاومت‌ها بیشتر از هر زمان دیگری شده و بسیار بعید است حالا که آمریکا اثری در فشار ندیده و از طرفی خودش هم با چالش‌های زیادی درگیر است، این مقاومت دو ساله شکسته شود.

گفت‌وگو

نصرت‌الله تاجیک در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

بازسازی رابطه ایران و آمریکا منتفی است

بازگشت سیروس عسگری امری عادی است نه پالس مثبت

نصرت‌الله تاجیک، دیپلمات سابق و کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مناسبات و چالش‌های دوساله میان ایران و ایالات متحده آمریکا را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد.

تاجیک در ابتدای این گفت‌وگو و در سالروز خروج آمریکا از برجام درباره برخی گمانه‌زنی‌ها در خصوص تغییر رفتار کشورمان پس از فشار حداکثری و توافق در مورد تبادل «سیروس عسگری» و بازگشت وی به ایران گفت: «هر کشور سیستم قضایی خود را دارد و مراحل محاکمه و آزادسازی امری جداست و هیچ فردی نیز نمی‌خواهد در کار قضایی ایران یا آمریکا دخالت کند.»

بازسازی رابطه ایران و آمریکا منتفی است

تاجیک بر همین اساس ادامه داد: «اگر در این شرایط اراده سیاسی دو کشور کاهش حساسیت‌ها باشد طوری که دیوار بی‌اعتمادی کم شود، از لحاظ انسانی موضوع خوبی خواهد بود هر چند بعید می‌دانم با توجه به شرایطی که بین ایران و آمریکا حاکم است، این اتفاق رخ دهد.»

این کارشناس مسائل بین‌الملل گفت: «در حال حاضر ظرفیت چنین موضوعی وجود ندارد مگر اینکه مذاکرات پنهانی در جریان باشد که آشکار نشده و در محافل عمومی نیز درز نکرده باشد.»

تبرئه و بازگشت سیروس عسگری امری عادی است نه پالس مثبت

وی با اشاره به موضوع بازگشت سیروس عسگری تأکید کرد: «بر فرض چنانچه فردی در آمریکا تبرئه شده اما به دلیل اتمام ویزا پلیس فدرال به او اجازه سفر به ایران را نداده اما الان می‌تواند این کار را انجام دهد، مشمول این موضوع و به معنای پالس مثبت نیست.»

تاجیک در عین حال افزود: «اگر اراده سیاسی برای این کار باشد خوب است اما با توجه به شرایط فعلی و به دلیل رویکرد ترامپ بعید می‌دانم چنین شرایطی را در آینده‌ای نزدیک شاهد باشیم.» این کارشناس مسائل بین‌الملل در پاسخ به این سوال که چرا به‌رغم اینکه در دو سال گذشته رفتار ایران تغییر نکرده اما سطح تنش کاهش نداشته است، تصریح کرد: «اگر منظور از رفتار ایران این است که ترامپ از برجام خارج شده تا رفتار ایران تغییر کند، تلقی اشتباهی است.»

فشار حداکثری و تنگ کردن حلقه اقتصاد برای شورش علیه حکومت برنامه دولت ترامپ است

وی افزود: «ترامپ به دنبال این نیست که ایران تغییر رفتار دهد بلکه درصدد است از طریق فشار حداکثری و تنگ کردن حلقه اقتصاد بر گلوی مردم علیه حکومت شورش ایجاد کند.» به گفته تاجیک، ترامپ از مرحله تغییر رفتار عبور کرده و به مرحله

تغییر رژیم فکر می‌کند؛ لذا این مرحله را حتی به قیمت تجزیه ایران نیز دنبال خواهد کرد.

ایران یک بازیگر مهم و مسلط در منطقه خلیج فارس است این کارشناس روابط بین‌الملل با بیان اینکه ایران هیچ‌گاه تغییر رفتار نمی‌دهد چرا که از اصول ثابتی برخوردار است، یادآور شد: «اینکه یک کشور خارجی بگوید تغییر رفتار دهید و ما هم قبول کنیم، چنین چیزی در روابط بین‌المللی وجود خارجی ندارد و از سوی دیگر ایران یک بازیگر مهم و مسلط در منطقه خلیج فارس است.» وی همچنین به نقش جهانی کشورمان به دلیل موضوع نفت و موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا اشاره کرد و ادامه داد: «این موقعیتی که ایران در خاورمیانه دارد بیشتر مبتنی بر توانمندی‌های سخت‌افزاری است که اگر بتواند آن را تبدیل به قدرت نرم‌افزاری کند، تأثیر بیشتری خواهد داشت.»

تاجیک با تأکید بر اینکه ایران بازیگر منفعلی نیست که با فشارهای آمریکا به زانو دربیاید، گفت: «البته مشکلات زیادی بر دوش مردم است که بخشی از آن ناشی از فشارهای ترامپ است و بخش دیگر به دلیل سوءمدیریت داخلی است که نیاز به برنامه‌ریزی و اجرای قوی‌تر دارد. اندیشمندان و نیخگان غربی نیز از ابتدا می‌گفتند بیرون رفتن آمریکا از برجام کمکی به حل مسائل و مشکلاتی که بین ایران و آمریکا وجود دارد، نمی‌کند و حتی وضعیت را پیچیده‌تر خواهد کرد.»



طراحی ایران برای دوره جدید ترامپ باید تغییر کند

این کارشناس مسائل بین‌الملل درباره اینکه چرا برخی خبرسازان داخلی و خارجی تأکید دارند بحث بازگشت زندانیان به معنای تغییر رفتار ایران است، گفت: «یک زمانی این موضوع از سوی خبرگزاری معتبری مطرح می‌شود که می‌توان تحلیل کرد که با چه اهدافی است ولی یک زمانی برخی افراد آرزوی خود را مطرح می‌کنند و مدعی می‌شوند این فرد آزاد شده و امیدواریم بقیه هم آزاد شوند و این الگوی رفتاری بین دو کشور وجود داشته باشد.»

وی در پایان یادآور شد: «این الگوی رفتاری بین دو کشور با وجود ترامپ قابل انجام نیست و باید منظر ماند تا وضعیت او روشن شود، چرا که اگر ترامپ برای دوره دوم بخواهد رئیس‌جمهور بماند، ایران باید طراحی دیگری داشته باشد.»